

**A comparative study of the verbal processes in the works of
Shahab Al Din Khorandezi Zaydari and Atâ-Malek Juvayni
through the systematic functional approach ***

Nasrin Khani

PhD student in Persian language and literature at Razi University

Dr. Mohammad Irani

Associate Professor of Persian Language and Literature at Razi University

Abstract

Systematic functional linguistics is a linguistic theory applied in the analysis of literary texts. The theory especially takes the social role of language into account. In a functional grammar, meaning is of specific importance and is manifested in three metafunctions including reflection, intra-individuality and intertextuality. In the reflection metafunction, language plays an experimental role to reflect the human experiences of the external world. It passes the secular experiences to the mental one and then expressed them. It reflects different verbal processes to convey the writer's view of the world to the audience and is effective in creating a specific style. After identifying these linguistic processes, the present study examines four Persian historical books titled *Nafthat Al-Masdour and Sirat Jalal Al-Din Monkabarani* by Shahab Al-Din Zaydari as well as *Tarikh Jahangushay Juvayni and Tasliat Al-Ekhvan* by Atâ-Malek Juvayni. The results of the study show that every one of these two writers has applied his own specific processes, but each one has used the same set of processes in both of his works. This indicates the ability of processes to create certain personal styles. It is also found that there is a high frequency of secular cases in Zidari's works, which is because the writer expresses what he sees appropriately with the his presence in the events. However, the high frequency of connections in Atâ-Malek Juvayni's works is due to his assigning different features to the processes, designing situational connections because of being absent in those events; he has heard them or read about them in books.

Keywords: Verbal processes, Systematic functional linguistics, Shahab Al-Din Khorandezi Zaydari, Atâ-Malek Juvayni.

* Date of receiving: 2018/07/31

Date of final accepting: 2019/10/14

- email of responsible writer: moham.irani@yahoo.com

فصلنامه علمی کاوش‌نامه
سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۵
صفحات ۹۷-۱۲۲

بررسی مقایسه‌ای انواع فرایندهای فعلی به‌کاررفته در دیباچه آثار شهاب‌الدین خُرنذی زیدری و عطاملک جوینی، با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرای نظام‌مند* (مقاله پژوهشی)

نسرین خانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

دکتر محمد ایرانی^۱

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

چکیده

زبان‌شناسی نقشگرای نظام‌مند یکی از نظریات زبان‌شناسی است که در تحلیل و مطالعه متون ادبی کاربرد دارد. در این نظریه به کارکرد زبان در متن و نقش اجتماعی زبان توجه ویژه‌ای می‌شود. در دستور نقشگرا، معنی اهمیت ویژه‌ای دارد و در سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی، متجلی می‌شود. در نقش اندیشگانی زبان و کارکرد تجربی آن - که نقش معرفی و بازنمایی تجربه‌های انسان در برخورد با دنیای بیرون و عبور این تجربه‌های مادی به ذهن و سپس بیان آنها را بر عهده دارد - از فرایندهای گوناگون که در فعل رخ می‌دهد و در تبیین نگرش نویسنده به جهان، مؤثر و در ایجاد سبک، اثرگذار است، سخن به میان می‌آید. در پژوهش حاضر، پس از تبیین این فرایندها، کاربرد آنها در چهار کتاب تاریخی به زبان فارسی، یعنی *نفثة المصدور* و *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*، اثر شهاب‌الدین زیدری نسوی و *تاریخ جهانگشای جوینی* و *تسلية الاخوان*، نوشته عطاملک جوینی بررسی شده است. نتایج بررسی نشان داد که هر یک از این دو نویسنده ترتیب خاصی از فرایندها را به کار برده که با دیگری متفاوت است؛ حال آنکه هر کدام از آنان در هر دو اثر خود ترتیب یکسانی را به کار برده‌اند. این امر نشان‌دهنده سبک‌ساز بودن فرایندها و تأثیر آنها در پیدایش سبک شخصی نویسندگان است. همچنین، بر پایه یافته‌های این پژوهش، بسامد بالای فرایندهای مادی در آثار

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۷/۲۲

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۹

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: moham.irani@yahoo.com

زیدری، نشان می‌دهد که نویسنده آنچه را می‌بیند به مخاطب عرضه می‌کند (متناسب با حضور نویسنده در رویدادها)؛ برخلاف عطاملک جوینی که بالابودن بسامد رابطه‌ای در نوشته‌های او حاکی از آن است که وی با انتخاب این فرایند، ویژگی‌های موقعیت‌های گوناگون را به شرکت‌کنندگان در فرایند نسبت داده و به توصیف و بیان روابط موقعیتی پرداخته‌است - چراکه او خود در زمان رخدادها حضور نداشته و آنها را از دیگران شنیده یا در کتاب‌ها خوانده‌است.

کلیدواژه‌ها: فرایندهای فعلی، زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، شهاب‌الدین خرندزی زیدری، عطاملک جوینی.

۱. مقدمه

یکی از نظریات زبان‌شناسی که در تحلیل و مطالعه متون ادبی کاربرد دارد، زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند است که هلیدی (Halliday) آن را ارائه نمود. به باور هلیدی که دستور وی برپایه چگونگی کاربرد زبان طراحی شده است، هر متن فراگفتاری یا فرانوشتاری در بافت کاربردی، مفهوم خود را بازمی‌یابد و بر اساس نقشی که درباره نیازها ایفا می‌کند، ساماندهی می‌شود، دستوری نقش‌گراست (ر.ک: نی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

وی به کارکرد زبان در متن و نقش اجتماعی زبان توجه ویژه‌ای دارد. در این رودیکرد، هم زبان به عنوان یک نظام در درون خود بررسی می‌شود و هم به ارتباط آن با نظام‌های دیگر، مانند فرهنگ و اجتماع تحلیل می‌گردد. در دستور نقش‌گرا، معنی اهمیت ویژه‌ای دارد و در سه فرانشی اندیشگانی (Ideational Metafunction)، بینافردی (Interpersonal Metafunction) و متنی (Metafunction Textual) جلوه می‌یابد (ر.ک: هلیدی، ۱۹۸۵: ۲۸).

نقش اندیشگانی زبان و کارکرد تجربی آن، نقش معرفی و بازنمایی تجربه‌های انسان در برخورد با دنیای بیرون و عبور این تجربه‌های مادی به ذهن و سپس بیان آنها را برعهده دارد؛ نقش بینافردی، برای ارتباط انسان با هم‌نوعانش شکل می‌گیرد و به تقویت و استحکام کنش‌های میان مردم در استفاده از زبان می‌پردازد و نقش متنی - که خلق گفتارهای منسجم و مرتبط را برعهده دارد - دو کارکرد پیشین را همراهی می‌کند

و آنها را به بافت پیوند می‌دهد و حاصل ارتباط دو نقش پیشین زبان با دنیای ذهن انسان است. (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۱۶؛ منشی‌زاده و الهیان، ۱۳۹۴: ۲۶۰)

یکی از اصطلاحات به‌کاررفته در نظریهٔ دستور نقش‌گرا، گذرایی (Transitivity) است. از آنجا که مهمترین واحد متن در این نظریه، «بند» است، گذرایی، چگونگی بازنمایی معنی در بند است. این مفهوم نشان‌دهندهٔ چگونگی تجسم تصاویر ذهنی از واقعیت‌ها و تجربه‌های عینی، در چارچوب زبان است؛ بنابراین، گذرایی کار انتقال و بازنمایی اندیشه را برعهده دارد و بخشی از فرانش اندیشگانی زبان است.

فرایندهای مطرح‌شده در این نظریه، در فرانش اندیشگانی ظهور می‌یابند. در فرانش اندیشگانی یا انگارساختی، دو دسته فرانش تجربی و منطقی، مطرح و در آن، به بازنمایی درک و تجربهٔ انسان از هستی و جهان توجه می‌شود و می‌توان آن را مبین نگرش انسان به جهان دانست. «این نگرش در سطح دستور زبان با فعل، اسم، صفت یا قید نشان داده می‌شود. فعل حوادث و اتفاقات و رویدادها را نشان می‌دهد و اسم به اشیا و نظایر آن متمرکز می‌شود و صفات نسبت‌ها و اوصاف اسم را نشان می‌دهد و چگونگی رویدادها و زمان و مکان آن را قیود بیان می‌کند» (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

در پژوهش حاضر، برآنیم تا فرایندهای یادشده را در چهار کتاب تاریخی به زبان فارسی، یعنی *نفته‌المصدر*، *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*، *تاریخ جهانگشای جوینی* و *تسلية‌الاخوان* بررسی کنیم.

۱-۱. آثار برگزیده

نفته‌المصدر نوشتهٔ شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی، منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه است. شهاب‌الدین این کتاب را — که درد دلی است از سختی‌های حملهٔ مغول و مفارقت نویسنده از سلطان — در حدود سال ۶۳۲ هـ.ق. نوشته است. *سیرت جلال‌الدین منکبرنی* نیز کتاب دیگری است از شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی. شهاب‌الدین، این کتاب را در ۷ سال پس از نگارش *نفته‌المصدر*، یعنی در سال

۶۳۹ هـ.ق. به زبان عربی نوشته است. در همان عصر، مترجمی ناشناخته، کتاب را به پارسی ترجمه کرده است.

تاریخ جهانگشا، نگاشته عظاملک جوینی درباره تاریخ مغول و خوارزمشاهیان و اسماعیلیان است که در حدود سال‌های ۶۵۰ یا ۶۵۱ تا ۶۵۸ تألیف شده است. تسلیة‌الاکخوان نیز عنوان رساله‌ای است از عظاملک جوینی که وی آن را در ذکر مصیبت‌هایی که به سبب سعایت مجدالملک یزدی بر او وارد شده، بعد از رمضان ۶۸۰ هـ.ق. نگاشته است. نگارندگان جستار پیش رو، در انتخاب این چهار کتاب بدین نکته توجه کرده‌اند که دو اثر در موضوعی واحد از نویسندگانی واحد، اما با رویکردی متفاوت انتخاب کنند؛ توضیح آنکه علی‌رغم اینکه نفثة‌المصدر و سیرت جلال‌الدین هردوی انشای شهاب‌الدین خرندزی و درباره یورش مغولان است، اوکی با رویکردی شخصی و حدیث نفسی نوشته شده؛ اما کتاب دوم رویکردی گزارشی و بیان تاریخی دارد. در کنار این گزینش، نگارندگان، تاریخ جهانگشا و تسلیة‌الاکخوان جوینی را نیز انتخاب کردند. در این گزینش نیز یکی از آثار (تاریخ جهانگشا) در تاریخ مغول و دیگری (تسلیة‌الاکخوان) حدیث نفس نویسندگانی درباره مصائبی است که بر وی گذشته است. این دو کتاب هرچند در موضوع، یعنی تاریخ حمله مغولان و وقایعی که بر مؤلف گذشته است، با دو کتاب دیگر اشتراک دارند، دارای تفاوتی مهم با آن دو هستند؛ دو کتاب نخست را کسی نوشته است که جزئی از دستگاه حکومتی خوارزمشاهیان بوده و در مقابل مغولان قرار داشته است؛ حال آنکه نویسندگانی کتاب‌های سوم و چهارم، یعنی عظاملک جوینی - هرچند ایرانی است - در دستگاه حکومتی نوادگان چنگیز خدمت می‌کند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در زمینه کاربرد این نظریه در آثار ادب پارسی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله: پورنامداریان و ایشانی در مقاله «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا»، (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیده‌اند که غزل مورد نظر از انسجام و

پیوستگی بالایی برخوردار است. سارلی و ایشانی در مقاله «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)»، (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که با استفاده از هماهنگی‌های انسجامی می‌توان درجه انسجام و پیوستگی متون را از نظر کمی مقایسه کرد. آقاگل‌زاده و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقشگرا»، (۱۳۹۰) انواع فعل‌های به‌کار رفته در آثار هدایت و آل احمد را بررسی کرده و کوشیده‌اند از این راه، طرز فکر این دو نویسنده را آشکار کنند. سراج در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه دستور نقشگرای هلیدی در ده رمان از ده داستان‌نویس زن ایرانی»، (۱۳۹۲) با انتخاب ده رمان از ده داستان‌نویس زن ایرانی، آنها را بر اساس دستور نقشگرای هلیدی، مطالعه کرده است؛ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین انتخاب نوع واژگان (فرایند افعال) و همچنین کاربرد وجه در آثار داستانی زنان در دهه‌های مختلف و به تبع آن، تحول اندیشه، تناسب معناداری وجود دارد.

نبی‌لو در مقاله «بررسی و تحلیل دو غزل از خاقانی و حافظ بر مبنای زبان‌شناسی نقشگرای سیستمی»، (۱۳۹۲) شباهت‌ها و تفاوت‌های دو شاعر را از نظر استفاده از فرایندهای گوناگون نشان داده است. ایشانی در جستاری با نام «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا»، (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده است که ویژگی و شاخصه سبکی نثر دانشور، پویایی کنشی و کلامی است.

فضائلی و ابراهیمی در مقاله «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفتخوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقشگرای نظام‌مند هلیدی»، (۱۳۹۳) دریافته‌اند که بسامد بالای فرایند مادی در هفتخوان رستم موجب می‌شود که خواننده درکی عینی و ملموس از وقایع هرخوان داشته باشد و یکایک وقایع هرخوان همچون صحنه‌ای نمایشی در برابر دیدگان وی به تصویر درآید. مجیدی و همکاران در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی کشف‌المحجوب با رویکرد نظریه انتقادی در چارچوب دستور نقشگرای هلیدی»، (۱۳۹۳) ویژگی‌های سبکی کشف‌المحجوب را بررسی کرده‌اند؛ مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده در این پژوهش از این قرار است: کانون توجه گفتمان کشف‌المحجوب، خداست و

متن به لحاظ تجربی و در فرانش اندیشگانی، بیشتر سمت و سوی تجریدی دارد. مشهور و فقیری در مقاله «بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی (با رویکرد شناختی)»، (۱۳۹۴) به این نکته رسیده‌اند که در غزلیات سعدی، بیشتر رفتارها، کنش‌ها و حرکات مورد توجه شاعر بوده‌اند. منشی‌زاده و الهیان در مقاله «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند»، (۱۳۹۴) دریافته‌اند که بیشترین بسامد، مربوط به فرایند رفتاری بوده‌است؛ این امر نشان از تمرکز گلستان بر انسان، روابط اجتماعی انسان‌ها و پیگیری اصل تعلیم دارد.

ایشانی و نظیف در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، (۱۳۹۴) همین پژوهش را در غزل‌های تعلیمی سعدی انجام داده‌اند؛ نتایج پژوهش آنان حاکی از این است که یکی از شاخص‌های سبکی سعدی، کاربرد فراوان فرایند رابطه‌ای است که نقش آن توصیف ویژگی‌ها و صفات یک موجود یا شناسایی و تعریف هویت آن است. رضویان و احسانی در مقاله «کاربرد استعاره دستوری گذرایی در مقایسه سبک دو رمان (تحلیل تطبیقی سبک مدیر مدرسه و اسرار گنج دره جنی)»، (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان از استعاره دستوری گذرایی نیز به عنوان یک شاخص سبکی در مطالعات سبکی بهره برد؛ زیرا براساس بررسی این دو اثر، در میزان استعاره دستوری گذرایی به کاررفته و در نوع آن‌ها نیز تفاوت آشکاری وجود دارد.

مهرابی و ذاکر که در مقاله «تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی»، (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیده‌اند که مضمون مورد نظر سعدی در حکایت‌ها با نوع فرایند تجربی و فرانش ارتباطی متبلور در افعال جملات از نظر بسامدی ارتباط دارد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های انجام‌شده، آثاری غیر از کتاب‌های مد نظر پژوهش حاضر، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تاکنون پژوهشی که *نقشه‌المصدر*،

سیرت جلال‌الدین، تاریخ جهانگشا و تسلیه‌الاکخوان را از این منظر کاویده باشد، انجام نشده است و پژوهش حاضر نخستین گام در این زمینه به شمار می‌آید.

۲. مبانی نظری

تحقیقِ رویداد، کنش، احساس، گفتار، رفتار و بودنِ امری - به سلب یا ایجاب - را در چارچوب گروه‌های فعلی، فرایند گویند. با بررسی بسامد وقوع فرایندهای گوناگون در هر متن، می‌توان به اندیشه‌های نویسنده یا شاعر آن دست یافت. در دستور سنتی، فعل را کلمه‌ای تعریف کرده‌اند که بر انجام‌دادن کار یا روی‌دادن حالتی دلالت دارد. انجام کار می‌تواند به صورت فیزیکی و در بیرون رخ دهد؛ مانند «ریختن» یا در ذهن ما شکل بگیرد؛ مانند «خواستن». روی‌دادن حالت نیز همان است که در قالب افعال ربطی نمود می‌یابد؛ نظیر «است» در «هوا سرد است». جالب اینجاست که آنچه در دستور نقشگرا به عنوان فرایندهای اصلی ذکر شده‌است؛ یعنی: «مادی»، «ذهنی» و «رابطه‌ای»، منطبق است با این سه مفهوم در دستور سنتی. از جانب دیگر افعالی وجود دارد که در حدّ وسط هریک از فرایندهای اصلی قرار می‌گیرند؛ بر این اساس سه نوع فرایند فرعی شکل می‌گیرد: رفتاری، کلامی و وجودی.

هر کدام از فرایندها سه عامل اصلی دارد که نظام گذرایی، به انتخاب آنها از بین گزینه‌های موجود در نظام زبان دست می‌زند:

۱. فرایند: در گروه فعلی تجلی و در گذر زمان گسترش می‌یابد؛
۲. شرکت‌کنندگان: در قالب گروه‌های اسمی و گروه‌های صفتی تجلی می‌یابند؛
۳. زمینه وقوع رخدادها یا عناصر محیطی: با گروه قیدی یا گروه حرف اضافه‌ای نمود می‌یابند (ر.ک: تولان، ۱۳۸۶: ۱۹۶ و ۱۹۷).

۱-۲. فرایندهای مادی (physical processes)

یکی از فرایندهای مورد نظر هلیدی، فرایند مادی است. این فرایند کارهایی را دربر می‌گیرد که جنبه فیزیکی دارد و «بر کنش و فعالیت عینی دلالت می‌کند.» (مشهور و فقیری، ۱۳۹۴: ۱۵۹) یا بر رخداد واقعه‌ای دلالت دارد؛ فعل‌هایی چون: اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رنگ کردن، باز کردن، رفتن، و

فرایندهای مادی در پاسخ به پرسش‌هایی نظیر «چه کرد؟» و «چه اتفاقی افتاد؟» می‌آیند. در این نوع فرایند، ممکن است یک یا دو شرکت‌کننده وجود داشته باشد. شرکت‌کننده‌ای که نهاد جمله است، کنشگر (Actor) نامیده می‌شود؛ بنابراین هر فرایندی یک کنشگر دارد؛ ولو اینکه در جمله ذکر نشده باشد. بر پایه تقسیم‌بندی سنتی فعل به لازم (ناگذر) و متعدی (گذرا)، فرایندهای مادی هم به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که تنها کنشگر را درگیر می‌کنند و دسته‌ای که علاوه بر کنشگر، بر شرکت‌کننده دیگری - که آن را وسیله یا هدف (Goal) می‌نامند - نیز اثر می‌گذارند؛ مثلاً در جمله «من رفتم»، «من» کنشگر است و در جمله «من خانه را ساختم»، «من» کنشگر و «خانه» هدف به شمار می‌آید. (ر.ک: آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۱؛ منشی‌زاده و الهیان، ۱۳۹۴: ۲۶۳ و ۲۶۴)

۲-۲. فرایندهای ذهنی (Mental processes)

برخلاف فرایندهای مادی که مربوط به تجربه ما از دنیای بیرون بودند، فرایندهای ذهنی تجربه ما را از جهان خودآگاهی مان نشان می‌دهند. این فرایندها شامل ادراک، شناخت و واکنش‌های ذهنی‌اند (ر.ک: آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۷). «فرایند ذهنی دربردارنده افعال حسّی یا واکنش‌های ذهنی (دوست‌داشتن، ترسیدن)، افعال حسّی (دیدن، شنیدن) و شناخت (فکرکردن و اعتقاد داشتن) هستند» (تولان، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

در فرایند ذهنی، دو شرکت‌کننده وجود دارد: شرکت‌کننده‌ای که احساس می‌کند و می‌اندیشد، «حسگر» نام دارد و شرکت‌کننده‌ای که ادراک یا حس می‌شود، «پدیده» یا

«نمود» است (ر.ک: ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۷؛ مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸). فرایندهای ذهنی را از نظر معنایی به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

۱. ادراکی، مانند درک کردن، حس کردن، دیدن، شنیدن؛

۲. ذهنی - شناختی، مانند دانستن، انتظار داشتن؛

۳. ذهنی - درخواستی، مانند آرزو کردن، پذیرفتن، امیدداشتن؛

۴. ذهنی - عاطفی، مانند عشق ورزیدن، ترسیدن، متنفر بودن. (Halliday, 2004: 210)

نقل از: منشی‌زاده و الهیان، ۱۳۹۴: ۲۶۴).

در تقسیم‌بندی دیگری، فرایندهای ذهنی به سه نوع، بخش شده‌اند:

۱. حسّی: شامل افعالی چون دیدن و شنیدن، چشیدن و لمس نمودن و...
 ۲. تأثیری: چون دوست داشتن، ترسیدن، لذت بردن، توجه کردن و...
 ۳. شناختی: مثل شناختن، فکر کردن، دانستن، درک کردن، فهمیدن، باورکردن و ...
- (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸)

۲-۳. فرایندهای رابطه‌ای (Relational processes)

یکی دیگر از فرایندهای اصلی، فرایند رابطه‌ای یا بودن (Being) است. «فرایندهای رابطه‌ای فرایندهایی هستند که به توصیف یا شناسایی مربوط می‌شوند. رابطه بین دو چیز یا پدیده با یکدیگر در قالب فرایند رابطه‌ای، با استفاده از افعال ربطی و معمولاً با فعل بودن بیان می‌شود. فرایندهای رابطه‌ای با افعال ربطی همانند بودن، شدن، به نظر رسیدن، تبدیل شدن و ... بیان می‌شوند» (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

آنچه اسناد داده می‌شود ممکن است برابر مسند دستوری و شامل صفت (Attribute) مانند «او خوشحال است» یا یکسانی (Identity) مانند «خدا خالق جهان است» باشد یا ممکن است مالکیت (Possession) مانند «من پول زیادی ندارم» باشد. (ر.ک: سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۲؛ نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۲۲؛ مشهور و فقیری، ۱۳۹۴: ۱۵۹) می‌توان گفت فرایندهای رابطه‌ای، «فرایندهای مربوط به توصیف یا شناسایی هستند و متضمن وجود

فعل‌هایی‌اند که روابط موقعیتی یا ملکی دارند و فعل معمول در آنها «بودن» است. (تولان، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

فرایندهای رابطه‌ای را بر دو گونه بخش کرده‌اند: «الف. حالت وصفی (اسنادی): در چنین حالتی یک ویژگی به موجودی نسبت داده می‌شود؛ مثال: مریم باهوش است؛ ب. حالت شناسایی (هویتی): در این حالت هویتی به موجودی نسبت داده می‌شود؛ یعنی رابطه‌ای که در آن یک عنصر، معرف هویت عنصر دیگری است؛ مثال: زندگی با برنامهریزی پیش رفتن است. (ایشانی و نظیف، ۱۳۹۴: ۹۶)

۲-۴. فرایندهای رفتاری (Behavioral processes)

افزون بر فرایندهای سه‌گانه‌ای که ذکر شد، از چند فرایند فرعی نیز می‌توان یاد کرد؛ یکی از این فرایندها، فرایند رفتاری است. این فرایند که «در اصل، حدّ وسط فرایندهای فکری و جسمانی است، رفتارهایی نظیر تنفس کردن، آه کشیدن، لبخند زدن، گریه کردن و ... را در بر می‌گیرد. در این نوع فرایند، فقط یک شرکت‌کننده با نام رفتارگر (Behaver) وجود دارد» (ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۸)؛ این شرکت‌کننده، همانند «حسگر» در فرایندهای ذهنی، ذی‌شعور است.

چنانکه گفته شد، فرایندهای رفتاری، در بین فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارند. تفاوت فرایند رفتاری با فرایند ذهنی در این است که نمودی فیزیکی دارد و اختلاف آن با فرایند مادی در جلوه روان‌شناختی آن است؛ مثلاً «دیدن»، فرایند ذهنی است؛ اما «نگریستن»، رفتاری است؛ همچنین است وضعیت «شنیدن» (ذهنی) و «گوش کردن» (رفتاری). (ر.ک: آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸؛ مشهور و فقیری، ۱۳۹۴: ۱۵۹؛ منشی‌زاده و الهیان، ۱۳۹۴: ۲۶۵)

۲-۵. فرایندهای کلامی (Verbal processes)

یکی دیگر از فرایندهای فرعی — که واسطه میان فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای است — فرایند کلامی است. همان‌گونه که از عنوان فرایند کلامی برمی‌آید، فعالیت‌های مربوط به گفتن که با افعالی چون: گفتن، حرف زدن، پرسیدن، گزارش دادن، فرمان دادن و ... بیان می‌شود، مربوط به این فرایند است.

شرکت‌کنندگان فرایند کلامی، عبارتند از: ۱. گوینده (Sayer)، ۲. دریافت‌کننده (Recipient) یا مخاطب (Receiver) و ۳. گزارش (Report) یا نقل قول (Quote) یا هدف (Target) یا به طور کلی، سخن‌پردازی (Verbiage). این فرایند را در زبان فارسی، بیانی و لفظی نیز خوانده‌اند (ر.ک: آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۱ و ۶۲؛ ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۸؛ مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۰؛ منشی‌زاده و الهیان، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

۲-۶. فرایندهای وجودی (Existential processes)

آخرین فرایند فرعی — که واسطه فرایندهای مادی و رابطه‌ای شمرده می‌شود — فرایند وجودی است. «این فرایند گویای وقوع حادثه‌ای یا وجود چیزی است؛ بنابراین این قبیل فرایندها در افعالی مثل بودن، استن، اتفاق افتادن و ... ظهور می‌یابند. این فرایندها از این جهت که گویای اتفاق و حادثه‌ای هستند، نزدیک به فرایند مادی‌اند و از دیگر سو چون بیانگر وجود و یا بودن چیزی‌اند، به فرایند رابطه‌ای می‌مانند.» (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۰ و ۱۳۱).

بر پایه اینکه یک جهت فرایند وجودی با فرایند مادی و جهت دیگرش با فرایند رابطه‌ای در پیوند است، می‌توان گفت این فرایند «با وجود داشتن» یا «اتفاق افتادن» امری در ارتباط است؛ به‌طور کلی، هر فعلی که معنای وجود داشتن را دربر داشته باشد، جزء این فرایند محسوب می‌گردد.» (ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۸)

شرکت‌کننده فرایند وجودی را «موجود» (Existent) می‌نامند و معمولاً عنصر محیطی (Element Circumstantial) نیز در این فرایند شرکت می‌کند (ر.ک: آفاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۳).

۳. بحث

۳-۱. فرایندها در آثار مورد بررسی

۳-۱-۱. نفثه‌المصدر

نفثه‌المصدر بخش مستقلی به عنوان مقدمه یا دیباچه ندارد؛ با این حال می‌توان صفحات آغازین آن، به‌ویژه تا پایان بند نخست صفحه ۸ را به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب در نظر گرفت.

در این بخش از کتاب، در مجموع، ۱۷۰ فعل به کار رفته است. بیشترین بسامد فعل در این بخش، مربوط به فعل‌های مادی است. در مجموع ۷۳ فعل، یعنی معادل ۴۳٪ فعل‌ها دارای فرایند مادی هستند. فرایند رابطه‌ای در جایگاه دوم قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که ۶۸ فعل، یعنی ۴۰٪ افعال دارای این ویژگی هستند. فعل‌هایی که فرایند کلامی را منعکس می‌کنند، ۱۳ بار، یعنی ۷٫۶٪ در این مقدمه به کار رفته‌اند. فرایند ذهنی با ۱۱ مورد (۴٫۷٪) و فرایند وجودی با ۵ مورد (۲٫۹٪) در رده‌های چهارم و پنجم قرار دارند. در این مقدمه هشت صفحه‌ای، فعلی با ویژگی‌های فرایند رفتاری یافت نشد.

فرایند مادی: برخی از فعل‌های مادی به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: رویاندن، بارآوردن، نهادن (شهاب‌الدین خرندزی زیدری، ۱۳۷۰: ۱)، رفتن، بردن، برهم‌زدن (همان: ۲)، نشستن، قیام نمودن (همان: ۳) رساندن، نوشتن (همان: ۴)، درنوشتن (همان: ۵)، سنجیدن (همان: ۶)، افکندن (همان: ۷)، راندن (همان: ۸) و

نمونه ۱: «... امن و امان چون تیر از دستِ اهلِ زمان بیرون رفته، سمومِ عواصف هرچند بر عموم آب از روی همگنان برده، نکبای نکبتِ حالِ من پریشان‌حال به یکبارگی برهم زده...» (همان: ۲)

فرایند ذهنی: برخی از فعل‌های ذهنی به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: اِلْف‌گرفتن (همان: ۲)، خواستن (همان: ۴)، بازشناختن (همان: ۵) و

نمونه ۲: «خواسته‌ام که از شکایت بخت افتان و خیزان ... فصلی چند بنویسم.» (همان: ۴)

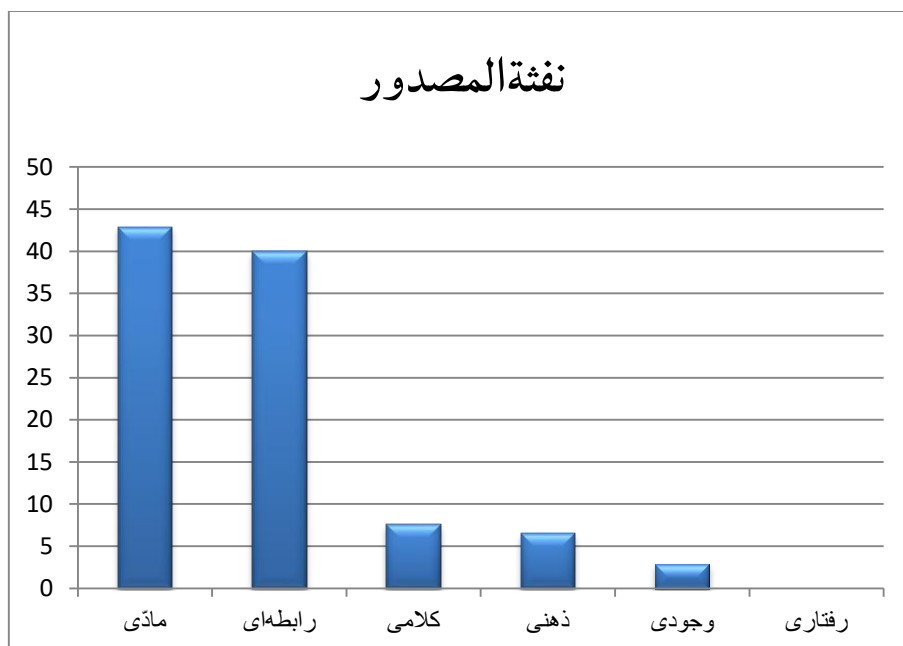
فرایند رابطه‌ای: برخی از فعل‌های رابطه‌ای به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: گشتن (همان: ۱، ۲، ۸)، شدن (همان: ۲، ۸)، استن (همان: ۳، ۴، ۶، ۷)، بودن (همان: ۵) و
نمونه ۳: «هرچند به سر قیام نماید، سیاه‌کار است.» (همان: ۳)

فرایند رفتاری: برخی از فعل‌های رفتاری به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: نمونه ۴: «... مصابرت نمای؛ چه دلسوزی نداری که موافقت نماید.» (همان: ۵)
فرایند کلامی: برخی از فعل‌های کلامی به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: روایت کردن (همان: ۳)، فروخواندن، حکایت کردن (همان: ۳)، گفتن (همان: ۴، ۵) و
نمونه ۵: «به کدام مشفق، قصه اشتیاق می‌گویی؟» (همان: ۴)

فرایند وجودی: برخی از فعل‌های وجودی به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: استن (همان: ۱، ۵، ۷، ۸)، داشتن (همان: ۵) بودن (همان: ۶) و
نمونه ۶: «عجب دلی است با این همه درد که در او بود، نشکافت.» (همان: ۶)

جدول ۱. فراوانی فرایندهای شش‌گانه در نفثه‌المصدر

فرایند رفتاری		فرایند وجودی		فرایند ذهنی		فرایند کلامی		فرایند رابطه‌ای		فرایند مادی	
در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا
صد	نی	صد	نی	صد	نی	صد	نی	صد	نی	صد	نی
۰	۰	۲,۹	۵	۶,۵	۱۱	۷,۶	۱۳	۴۰	۶۸	۴۲,۹	۷۳

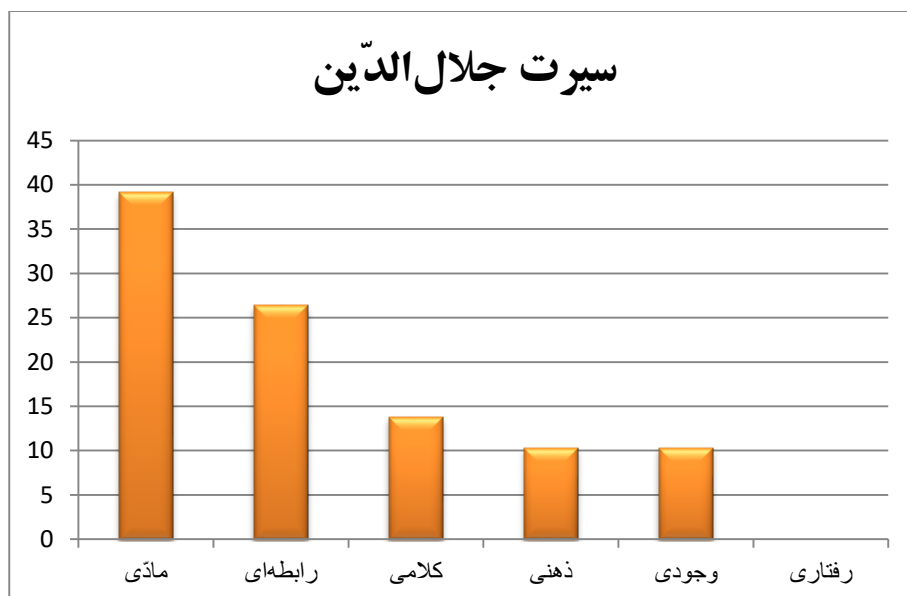


نمودار ۱. فرایندهای شش‌گانه در نقشه‌المصدر

۳-۱-۲. سیرت جلال‌الدین منکبرنی

سیرت جلال‌الدین منکبرنی نیز کتاب دیگری است از شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی. در فصل نخست کتاب، ۸۷ فعل به کار رفته است. فعل‌های نشان‌دهنده فرایند مادی ۳۴ بار (۳۹٫۱٪) کاربرد داشته‌اند. در این بخش، فرایند رابطه‌ای با ۲۳ مورد (۲۶٫۵٪) در جایگاه دوم و فرایند کلامی با ۱۲ مورد (۱۳٫۸٪) در رده سوم است. فرایندهای ذهنی و وجودی، هر یک با ۹ کاربرد (۱۰٫۳٪) در مقدمه سیرت جلال‌الدین نقش ایفا کرده‌اند و فرایند رفتاری جایگاهی در مقدمه ۶ صفحه‌ای کتاب نداشته است. فرایند مادی: برخی از فعل‌های مادی به کار رفته در سیرت جلال‌الدین عبارتند از: رسیدن (شهاب‌الدین خرندزی زیدری، ۱۳۸۸: ۳)، تحریر کردن (همان: ۴)، آختن، انداختن، کشتن، آواره کردن (همان: ۵)، نشستن (همان: ۶) و ...

نمونه ۷: «با آنکه هیچ شمشیری از نیام نیاخته و هیچ سری از گردنی نینداخته، همه را عفواً صفواً مسلم کرد.» (همان: ۵).



نمودار ۲. فرایندهای شش‌گانه در سیرت جلال‌الدین

۳-۱-۳. تاریخ جهانگشا

تاریخ جهانگشا، دارای دیباچه است. در دیباچه کتاب ۳۱۶ فعل به کار رفته است. فرایند رابطه‌ای با ۱۷۹ مورد کاربرد (۵۶٫۷٪) در جایگاه نخست قرار دارد. ۶۲ فعل (۱۹٫۷٪) دیباچه کتاب به فرایند مادی اختصاص دارد. فرایند ذهنی با ۳۹ مورد (۱۲٫۳٪) کاربرد، در جایگاه سوم قرار دارد؛ پس از آن، فرایندهای رفتاری با ۲۰ مورد کاربرد (۶٫۳٪) و وجودی با ۹ مورد کاربرد (۲٫۸٪) جای گرفته‌اند و فرایند کلامی با ۷ مورد تکرار (۲٫۲٪) کمترین کاربرد را داشته‌است.

فرایند مادی: برخی از فعل‌های مادی به کار رفته در این اثر عبارتند از: رسیدن (عظام‌ملک جوینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱)، افراختن، انداختن (همان، ج ۱: ۲)، ساختن (همان، ج ۱: ۳، ۴، ۹) و

نمونه ۱۳: «... قصور بنا نهاده و در مقابل بیوت اصنام، صوامع اسلام ساخته و ...»

(همان، ج ۱: ۹)

فرایند ذهنی: برخی از فعل‌های ذهنی به‌کار رفته تاریخ جهانگشا عبارتند از: چشیدن (همان، ج ۱: ۲)، دانستن (همان، ج ۱: ۴)، شناختن (همان، ج ۱: ۴، ۵)، پنداشتن (همان، ج ۱: ۵) و

نمونه ۱۴: «... صفع را از لطف طبع، طَبَعَ اللهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ پندارند و مشامت و سفاهت را از نتایج خاطرِ بی‌خطر شناسند.» (همان، ج ۱: ۵)

فرایند رابطه‌ای: برخی از فعل‌های رابطه‌ای به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: استن (همان، ج ۱: ۱، ۳، ۴)، گشتن (همان، ج ۱: ۱، ۲، ۳)، بودن (همان، ج ۱: ۲، ۳)، شدن (همان، ج ۱: ۳) و

نمونه ۱۵: «سپاس و ثنا معبودی راست که واجب‌الوجود است؛ مسجودی که وجود او واهب انوارِ عقل وجود است.» (همان، ج ۱: ۱)

فرایند رفتاری: برخی از فعل‌های رفتاری به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: مطالعات‌افتادن (همان، ج ۱: ۲، ۷)، معاینه رفتن، استماع افتادن (همان، ج ۱: ۷)

نمونه ۱۶: «چون حضرت باشکوه و هیبت او را ... مطالعت افتاد.» (همان، ج ۱: ۲)

فرایند کلامی: برخی از فعل‌های کلامی به‌کار رفته در تاریخ جهانگشا عبارتند از: اشارت راندن (همان، ج ۱: ۳)، گفتن (همان، ج ۱: ۱۰)، فرمودن (همان، ج ۱: ۱۱) و

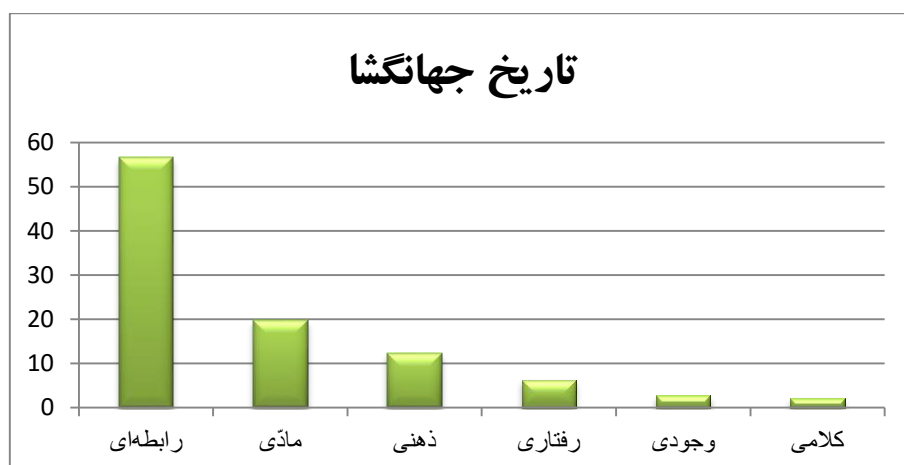
نمونه ۱۷: «... پیش از اقامت مسلمانان ... بتان را با ایشان مکالمت بود ... و اکنون از شومی قدم مسلمانان، با ایشان، خشم گرفته‌اند و سخن نمی‌گویند.» (همان، ج ۱: ۱۰)

فرایند وجودی: برخی از فعل‌های وجودی به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: استن (همان، ج ۱: ۱)، داشتن (همان، ج ۱: ۲)، آمدن (همان، ج ۱: ۱۰) و

نمونه ۱۸: «آفریدگاری که اثبات وحدانیت او در هر ذره‌ای از ذرات مکنونات موجود است.» (همان، ج ۱: ۱)

جدول ۳. فراوانی فرایندهای شش‌گانه در تاریخ جهانگشا

فرایند کلامی		فرایند وجودی		فرایند رفتاری		فرایند ذهنی		فرایند مادی		فرایند رابطه‌ای	
در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا	در فراوا
صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی	صد نی
۲,۲	۷	۲,۸	۹	۶,۳	۲۰	۱۲,۳	۳۹	۱۹,۷	۶۲	۵۶,۷	۱۷۹



نمودار ۳. فراایندهای شش‌گانه در تاریخ جهانگشا

۳-۱-۴. تسلیة‌الخوان

تسلیة‌الخوان نیز هرچند قسمت مستقلى به عنوان مقدمه یا دیباچه ندارد؛ اما شانزده صفحه آغازین و دو سطر ابتدایی صفحه هفدهم آن را می‌توان مقدمه کتاب برشمرد. در این بخش ۲۰۱ فعل به کار رفته است. فرایند رابطه‌ای با فراوانی ۸۴ مورد (۴۱,۸٪) در جایگاه نخست و پس از آن، فرایند مادی با ۷۸ فعل (۳۸,۸٪) جای گرفته‌است. فرایند ذهنی با ۱۶ مورد (۸٪) و فرایند رفتاری با ۱۵ مورد کاربرد (۷,۴٪) در جایگاه سوم و

چهارم هستند. تعداد فعل‌های نشان‌دهنده فرایند کلامی در این اثر، ۵ مورد (۲,۵٪) است و در پایان فرایند وجودی با ۳ فعل (۱,۵٪) قرار دارد.

فرایند مادی: برخی از فعل‌های مادی به کار رفته در این اثر عبارتند از: فرستادن، برکشیدن (همان: برگ ۱)، انداختن، ساختن (همان: برگ ۲)، تنیدن، دوختن (همان: برگ ۵) و

نمونه ۱۹: «... و لشگر بیداد عدوان، مملکت تن را بگرفت، آوازه آن به نزدیک و دور رسیده...» (عطاملک جوینی، بی تا: برگ ۲)

فرایند ذهنی: برخی از فعل‌های ذهنی به کار رفته در این اثر عبارتند از: شناختن (همان: برگ ۱)، تفکر کردن، دانستن (همان: برگ ۴) و

نمونه ۲۰: «هرچه از این شیوه از عالم غیب آید، از زمانه باید دانست.» (همان: برگ ۳)

فرایند رابطه‌ای: برخی از فعل‌های رابطه‌ای به کار رفته در این اثر عبارتند از: گشتن (همان: برگ ۱، ۲)، بودن (همان: برگ ۲) و

نمونه ۲۱: «دنیا همه فراز است و شیب و نمایش و نوازش او همه مکر است و فریب.» (همان: برگ ۴)

فرایند رفتاری: برخی از فعل‌های رفتاری به کار رفته در این اثر عبارتند از: مشاهده کردن (همان: برگ ۳، ۶)، معاینه کردن (همان: برگ ۳) مطالعه کردن (همان: برگ ۷).

نمونه ۲۲: «چون از این جانب، هنگام صواعق رعود و بروق نقت، انوار وفود شروق نعمت الهی مشاهده می‌کردم و در تضاعیف ثور آن عواصف نکبای نکبت، هبوب بسباب رحمت نامتناهی معاینه...» (همان: برگ ۳)

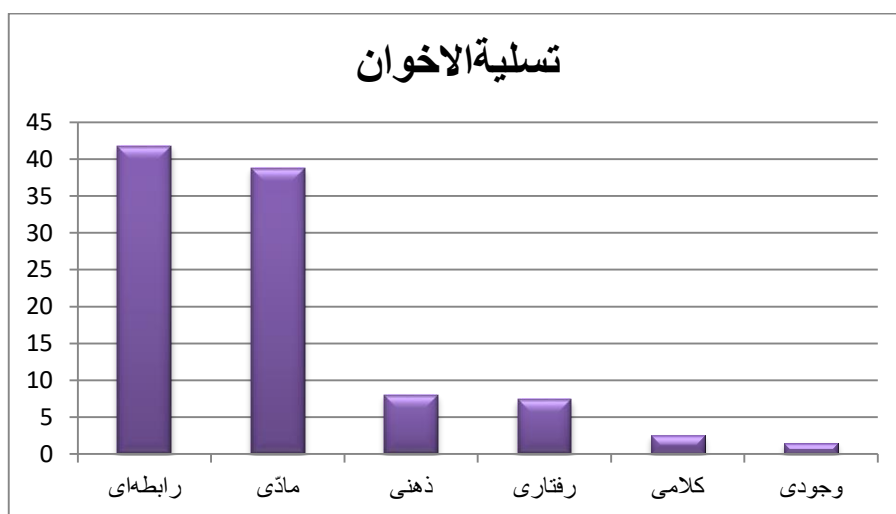
فرایند کلامی: برخی از فعل‌های کلامی به کار رفته در این اثر عبارتند از: گفتن (همان: برگ ۲، ۷، ۸)، بر زبان گذاشتن (همان: برگ ۵)، بر زبان راندن (همان: برگ ۷)

نمونه ۲۳: «و کافی ظفر کرجی به زبان پهلوی خوش گوید...» (همان: برگ ۷)

فرایند وجودی: برخی از فعل‌های وجودی به‌کار رفته در این اثر عبارتند از: داشتن (همان: برگ ۴)، ماندن (همان: برگ ۵)، استن (همان: برگ ۸)
 نمونه ۲۴: «چندانکه حرکت و اضطراب بیشتر کند، در آن ورطه، محکم‌تر ماند» (همان: برگ ۵).

جدول ۴. فراوانی فرایندهای شش‌گانه در تسلیه‌الاکخوان

فرایند وجودی		فرایند کلامی		فرایند رفتاری		فرایند ذهنی		فرایند مادی		فرایند رابطه‌ای	
در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا	در	فراوا
صد	نی	صد	نی	صد	نی	صد	نی	صد	نی	صد	نی
۱,۵	۳	۲,۵	۵	۷,۴	۱۵	۸	۱۶	۳۸,۸	۷۸	۴۱,۸	۸۴



نمودار ۴. فرایندهای شش‌گانه در تسلیه‌الاکخوان

۲-۳. تحلیل داده‌ها

ترتیب استفاده از فرایندها در هر دو کتاب زیدری یکسان است؛ همان‌گونه که در دو اثر عطاملک جوینی تقریباً چنین است؛ اما در مقام مقایسه ترتیب بهره‌گیری دو نویسنده از فرایندها متفاوت است؛ از همین نکته می‌توان پنداشت که بسامد فرایندها امری سبک‌ساز و مؤثر در پیدایش سبک شخصی نویسندگان است.

همان‌گونه که پیشتر گفته‌شد با بررسی بسامد وقوع فرایندهای گوناگون در هر متن، می‌توان به اندیشه‌های نویسنده یا شاعر آن دست یافت. تجربه‌های نویسنده و شاعر در مواجهه با جهان، در فعل‌هایی که به کار می‌برد، متجلی می‌شود؛ از این‌رو بررسی و تحلیل فرایندهای فعلی، می‌تواند به شناخت نگرش و جهان‌بینی نویسنده کمک کند.

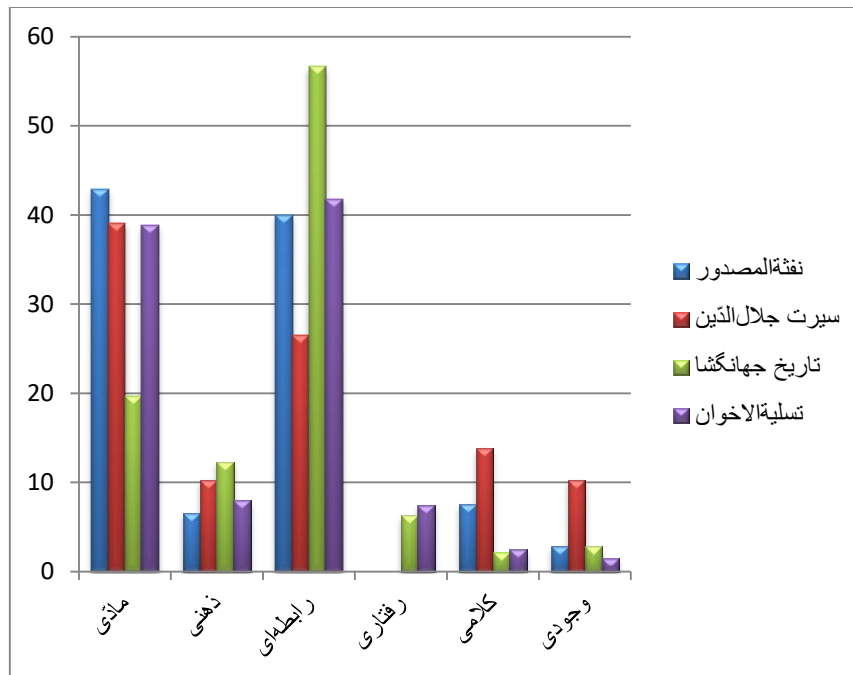
شهاب‌الدین زیدری بیشترین توجه را به استفاده از فرایند مادی معطوف کرده‌است. بسامد بالای فرایندهای مادی، نشان می‌دهد که نویسنده رویکردی واقع‌گرایانه به اثر دارد و با جهان بیرون، ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. زیدری خود در بطن و متن رخدادها حضور داشته و آنها را با تمام وجود خویش لمس کرده‌است. رویدادها برای او واقعی است؛ بنابر این آنچه را می‌بیند، به مخاطب عرضه می‌کند؛ در نتیجه بسامد فرایند مادی در دیباچه آثار او، بیش از بسامد فرایندهای دیگر است. برخلاف زیدری، عطاملک جوینی، بیشترین توجه را به فرایند رابطه‌ای داشته‌است. همان‌گونه که پیش از این، اشاره شد، این فرایند برای توصیف یا شناسایی و بیان روابط موقعیتی یا ملکی به کار می‌رود. نویسنده با انتخاب این فرایند، ویژگی‌های موقعیت‌های گوناگون را به شرکت‌کنندگان در فرایند نسبت می‌دهد.

معمولاً، نویسنده‌ای که از این فرایند، بسیار استفاده می‌کند، از فرایندهای مادی می‌کاهد؛ زیرا به جای کنش‌ها و مفاهیم عینی، تجربیات انتزاعی را برمی‌گزیند. عطاملک بیش از سه دهه پس از حمله مغول، تاریخ جهانگشا را تدوین کرده و - همان‌گونه که خود گفته‌است - بازگوکننده خاطرات دیگران یا مطالبی است که خواننده‌است؛ از

همین‌روى رخدادى را لمس نکرده‌است که بخواهد مخاطب را در حسّ آن شریک کند و با بهره‌گیری از فرایند رابطه‌ای به توصیف و بیان روابط موقعیتی پرداخته‌است. از آنجا که چنین گزینشی تبدیل به ویژگی سبکی نویسنده شده‌است، حتی در اثری چون *تسلية الاخوان* که حاصل مسائل زندگی شخصی جویی است، باز هم فرایند رابطه‌ای بر فرایند مادّی برتری دارد؛ هرچند از میزان آن کاسته می‌شود. در همه آثار مورد ارزیابی، جز *نفته‌المصدر*، سه فرایند اصلی، بیشترین بسامد را داشته‌اند. شاید بتوان این نکته را نشان‌دهنده نقش ارجاعی این سه متن دانست؛ حال آنکه می‌دانیم نقش عاطفی در *نفته‌المصدر* قوی‌تر از آثار دیگر است؛ از همین روی در این کتاب، در کنار فرایندهای مادّی و رابطه‌ای، فرایند کلامی نیز در رأس قرار دارد؛ افزون بر آن، وجه حدیث نفسی این اثر نیز، بسامد بالای فرایند کلامی نسبت به فرایندهای ذهنی، وجودی و رفتاری را توجیه می‌کند.

جدول ۵. فراوانی فرایندهای شش‌گانه در آثار مورد بررسی

فرایند اثر	مادّی		ذهنی		رابطه‌ای		رفتاری		کلامی		وجودی	
	در فراوا	در صد	در فراوا	در صد	در فراوا	در صد	در فراوا	در صد	در فراوا	در صد	در فراوا	
نفته‌المصدر	۷۳	۴۲،۹	۱۱	۶،۵	۶۸	۴۰	۰	۰	۱۳	۷،۶	۵	۲،۹
سیرت جلال‌الدین	۳۴	۳۹،۱	۹	۱۰،۳	۲۳	۲۶،۵	۰	۰	۱۲	۱۳،۸	۹	۱۰،۳
تاریخ جهانگشا	۶۲	۱۹،۷	۳۹	۱۲،۳	۱۷۹	۵۶،۷	۲۰	۶،۳	۷	۲،۲	۹	۲،۸
تسلية الاخوان	۷۸	۳۸،۸	۱۶	۸	۸۴	۴۱،۸	۱۵	۷،۴	۵	۲،۵	۳	۱،۵



نمودار ۵. فرایندهای شش‌گانه در آثار مورد بررسی

نتیجه‌گیری

ترتیب فرایندهای فعلی در *نفتة المصدور* و *سیرت جلال‌الدین منکیرنی* چنین است: مادی، رابطه‌ای، کلامی، ذهنی، وجودی و رفتاری. این ترتیب در *تاریخ جهانگشای جوینی* چنین است: رابطه‌ای، مادی، ذهنی، رفتاری، وجودی و کلامی؛ این ترتیب (البته با جابه‌جایی دو فرایند آخر)، در *تسلية الاخوان* تکرار شده‌است. تفاوت ترتیب استفاده دو نویسنده از فرایندها در عین حال که هر یک از آنان در هر دو اثر خود، ترتیب واحدی را به‌کار برده‌است، نشان‌دهنده سبک‌ساز بودن فرایندها و تأثیر آنها در پیدایش سبک شخصی نویسندگان است.

زیدری بیشترین توجه را به استفاده از فرایند مادّی معطوف کرده‌است. بسامد بالای فرایندهای مادّی، نشان می‌دهد که نویسنده آنچه را می‌بیند، به مخاطب عرضه می‌کند؛ در نتیجه بسامد فرایند مادّی در دیباچه آثار او، بیش از بسامد فرایندهای دیگر است. عطاملک جوینی، بیشترین توجه را به فرایند رابطه‌ای داشته‌است. او با انتخاب این فرایند، ویژگی‌های موقعیت‌های گوناگون را به شرکت‌کنندگان در فرایند نسبت می‌دهد. عطاملک بیش از سه دهه پس از حمله مغول، تاریخ جهانگشا را تدوین کرده و - همان‌گونه که خود گفته‌است - بازگوکننده خاطرات دیگران یا مطالبی است که خواننده‌است؛ از همین روی رخدادی را لمس نکرده‌است که بخواهد مخاطب را در حس آن شریک کند و با بهره‌گیری از فرایند رابطه‌ای به توصیف و بیان روابط موقعیتی پرداخته‌است. از آنجا که چنین گزینشی تبدیل به ویژگی سبکی نویسنده شده‌است، حتی در اثری چون *تسلیم‌اللاخوان* که حاصل مسائل زندگی شخصی جوینی است، باز هم فرایند رابطه‌ای بر فرایند مادّی برتری دارد؛ هرچند از میزان آن کاسته می‌شود. در همه آثار مورد ارزیابی، جز *نفثه‌المصدر*، سه فرایند اصلی، بیشترین بسامد را داشته‌اند. شاید بتوان این نکته را نشان‌دهنده نقش ارجاعی این سه متن دانست؛ حال آنکه می‌دانیم نقش عاطفی در *نفثه‌المصدر* قوی‌تر از آثار دیگر است؛ از همین روی در این کتاب، در کنار فرایندهای مادّی و رابطه‌ای، فرایند کلامی نیز در رأس قرار دارد؛ افزون بر آن، وجه حدیث نفسی این اثر نیز، بسامد بالای فرایند کلامی نسبت به فرایندهای ذهنی، وجودی و رفتاری را توجیه می‌کند.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. تولان، مایکل (۱۳۸۶) *روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی*، ترجمه فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.

۲. شهاب الدین خرندزی زیدری (۱۳۸۸) *سیرت جلال الدین منکبرنی*، تصحیح، مقدمه و تعلیقات: مجتبی مینوی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. _____ (۱۳۷۰) *نفته‌المصدر*، تصحیح امیرحسین یزدگردی، تهران: زوآر.
۴. عطاملک جوینی (۱۳۷۵) *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
۵. _____ (بی‌تا) *تسلية الاخوان*، نسخه خطی شماره ۷۵۵، تهران: کتابخانه مجلس.

ب) مقالات:

۶. آفاگل زاده، فردوس؛ عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا و حسین رضویان (۱۳۹۰) «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقشگرا»، *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال چهارم، شماره ۱(۱۱)، صص ۲۴۳-۲۵۴.
۷. ایشانی، طاهره (۱۳۹۳) «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا»، *زیان‌شناخت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۹-۳۴.
۸. ایشانی، طاهره و نرگس نظیف (۱۳۹۴) «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد دهقان*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۹۱-۱۱۶.
۹. پورنامداریان، تقی و طاهره ایشانی (۱۳۸۹) «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا»، *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*، سال هجدهم، شماره ۶۷، صص ۷-۴۳.
۱۰. رضویان، حسین و وجیهه احسانی (۱۳۹۴) «کاربرد استعاره دستوری گذرایی در مقایسه سبک دو رمان (تحلیل تطبیقی سبک مدیر مدرسه و اسرار گنج دره جنی)»، *نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس*، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۴۳-۱۶۵.
۱۱. سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰) «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)»، *زبان پژوهی دانشگاه الزهرا(س)*، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۱-۷۷.
۱۲. سراج، سیدعلی (۱۳۹۲) «مطالعه دستور نقشگرای هلیدی در ده رمان از ده داستان‌نویس زن ایرانی»، *مطالعات داستانی دانشگاه پیام نور*، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۰-۷۷.

۱۳. فضائلی، سیده مریم و شیما ابراهیمی (۱۳۹۳) «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفتخوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران* دانشگاه رازی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۴۲.
۱۴. مجیدی، فاطمه؛ هادی یآوری و زهره قدوسی فیض‌آباد (۱۳۹۳) «بررسی ویژگی‌های سبکی کشف‌المحجوب با رویکرد نظریه انتقادی در چارچوب دستور نقش‌گرای هلیدی»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا) دانشگاه اصفهان*، سال هشتم، شماره ۲ (۵۲)، صص ۱۲۳-۱۵۶.
۱۵. مشهور، پروین‌دخت و محمد فقیری (۱۳۹۴) «بررسی انواع فرایندهای نقش‌اندیشگانی در غزلیات سعدی (با رویکرد شناختی)»، *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال سیزدهم، شماره ۲۵، صص ۱۵۳-۱۶۸.
۱۶. منشی‌زاده، مجتبی و الهیان، لیلا (۱۳۹۴) «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند»، *جستارهای زبانی دانشگاه تربیت مدرس*، دوره ششم، شماره ۶، صص ۲۵۹-۲۷۹.
۱۷. مهربابی، معصومه و آرمان ذاکر (۱۳۹۵) «تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، *جستارهای زبانی دانشگاه تربیت مدرس*، دوره هفتم، شماره ۱ (۲۹)، صص ۱۷۳-۱۹۶.
۱۸. نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل دو غزل از خاقانی و حافظ بر مبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمی»، *زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز*، سال شصت و ششم، شماره ۲۲۷، صص ۱۱۳-۱۳۵.